



**David Damrosch, *Around the World in 80 Books*. New York: Penguin Press, 2021. 414 pp. Ebook ISBN: 9780593299890**

[دور دنیا با هشتاد کتاب. اثر دیوید دمراش. نیویورک: انتشارات پنگوئن، ۲۰۲۱. ۴۱۴ صفحه، شابک الکترونیکی: 9780593299890]

کتاب دور دنیا با هشتاد کتاب، آخرین کتاب دیوید دمراش، رئیس و استاد گروه ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد است. دمراش نظریه‌پرداز ادبیات جهان است. او این نظریه را در چند کتاب، شامل *ادبیات جهان چیست؟*<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، *چگونه ادبیات جهان را بخوانیم؟*<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، *تدریس ادبیات جهان*<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، *مبانی نظری ادبیات جهان*<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) و *مقایسه ادبیات‌ها: مطالعات ادبی در عصر جهانی*<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) به صورت نظری و عملی شرح داده است. در تمام این آثار، دمراش هدف روشنی را پی گرفته است: تبیین نظریه ادبیات جهان از ابعاد مختلف از گذشته تا حال و آموزش عملی روش تحقیق در این شاخه جدید از ادبیات تطبیقی. با نگاهی کلی به آثارش می‌توانیم دستاوردهای بنیادین دمراش را در دو محور اصلی خلاصه کنیم: اول، ادبیات جهان شکل نوینی از ادبیات تطبیقی است که به معنای واقعی کلمه، مرزهای ملی و زبانی و فرهنگی گذشته و کلیت ادبیات جهان را دربرمی‌گیرد؛ دوم، برای رهایی از سلطه اروپامحوری و نظام نئولیبرالیستی، باید از ترجمه مدد بجوئیم. کتاب دور دنیا با هشتاد کتاب، با همین نیت نوشته شده است.

عنوان کتاب یادآور رمان مشهور ژول ورن، نویسنده فرانسوی، دور دنیا در هشتاد روز<sup>۶</sup> (۱۸۷۲) است. در این کتاب دمراش بر آن است که مانند فیلیاس فاگ<sup>۷</sup>؛ اما این بار به صورت مجازی، خوانندگان خود را با هشتاد کتاب که در شانزده فصل سامان یافته است به سفری ادبی دور دنیا ببرد. او سفرش را از لندن آغاز می‌کند و پس از پیمودن اروپا، به ترکیه، عمان، مصر و کشورهای آفریقایی و خاور

<sup>1</sup> *What Is World Literature?*

<sup>2</sup> *How to Read World Literature?*

<sup>3</sup> *Teaching World Literature*

<sup>4</sup> *World Literature in Theory*

<sup>5</sup> *Comparing the Literatures: Literary Studies in a Global Age*

<sup>6</sup> Jules Verne, *Le tour du monde en quatre-vingts jours*

<sup>7</sup> Phileas Fogg

نزدیک و میانه و هند و شرق دور، چین و ژاپن و سپس به امریکای مرکزی و امریکای لاتین می‌رود و در پایان به لندن برمی‌گردد. این بار دمراش نظریه ادبیات جهان را در قالب سفری تمثیلی روایت می‌کند؛ به عبارت دیگر، در زمانی که به دلیل اپیدمی کووید-۱۹ انسان‌ها باید در خانه می‌مانند، دمراش هم در خانه ماند؛ ولی از اتاقش به همه جا سفر کرد؛ حتی به جاهایی که هرگز آن‌ها را ندیده بود. لوازم و توشه سفرش نه هواپیما بود و نه قطار و بالون و فیل؛ نه نیازمند حکم اداری بود و نه رواید و ارزی و عریضه‌ای. هرچه می‌خواست در کتابخانه عظیم وایدنر<sup>۱</sup> دانشگاه هاروارد برای او فراهم بود. چنین سفریم آرزوست!

دمراش راوی شیرین‌سخنی است. او حکایت نوشتن کتابش را در مقدمه بیان می‌کند. کتاب را با خاطراتش از کلاس نهم، هنگامی که پانزده سال بیش ندارد، آغاز می‌کند. زمانی که معلم زبان انگلیسی‌اش به او داده بود مسیر زندگی‌اش را عوض کرد. طراحی این پروژه، چهار ماه در دوران پاندمی کووید-۱۹ طول می‌کشد؛ زمانی که انسان‌ها از ترس پاندمی به درون خانه‌هایشان خزیده‌اند و اینجاست که ادبیات تنها مونس و همدم انسان پرت‌شده در فضای بیکران تنهایی‌اش می‌شود. در این سفر شاعرانه، دمراش مرزی نمی‌شناسد؛ نه زمانی، نه مکانی و نه ژانری. اگر اثری را نتواند به زبان اصلی بخواند، از ترجمه مدد می‌جوید. ادبیات سرشار از لذت معنوی است. به قول مولوی: آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید. در این نوشتار کوتاه ما هم با راوی کتاب دور دنیا با هشتاد کتاب همراه می‌شویم و داستان را از زبان خودش با اندک تلخیص و توضیحاتی می‌شنویم.

#### مقدمه

#### آغاز سفر<sup>۲</sup> (۱)

«بهار سال ۱۹۶۸ خانم استاتز، معلم انگلیسی کلاس نهم، کتابی به من داد که زندگی‌ام را تغییر داد: شاهکار کمیک لارنس استرن، زندگی و عقاید عالی‌جناب تریستر شندی<sup>۳</sup> (در نه جلد، ۱۷۶۷-۱۷۵۹). کتاب ارباب حلقه‌ها<sup>۴</sup> را که برای بار ششم یا هفتم می‌خواندم، کنار گذاشتم و وارد دنیای جدیدی شدم» (۹). این رمان نه تنها چشم‌انداز زنده‌ای از فرهنگ و رسوم زندگی انگلستان قرن هجدهم برای دمراش بود؛ بلکه قلمرو تازه‌ای بود که فکر آن را هم نمی‌کرد. استرن تمام طنزهای اجتماعی و افکار فلسفی خودش را در این رمان ریخته بود و دمراش پانزده‌ساله شیفته این روایت سترگ می‌شود.

\*\*\*\*\*

<sup>1</sup> Widener Library

<sup>2</sup> The Voyage Out

<sup>3</sup> Laurence Sterne, *The Life and Opinions of Tristram Shandy, Gentleman* (London: Penguin, 2003)

<sup>4</sup> *Lord of the Rings*

تریسترام خود راهنمای من (دمراش) می‌شود. تریسترام از رابله و سروانتس صحبت می‌کند و مرا به خواندن این کتاب‌ها تشویق می‌کند. بعد سراغ کم‌دی الهی<sup>۱</sup> دانتِه و ارواحِ مردهٔ نیکلای گوگل<sup>۲</sup> می‌روم. اشتیاقم به خواندن هر روز بیشتر می‌شود. در اولین نیم‌سال پاییزی که وارد کالج شدم یک آگهی تست صدا برای گروه کُر اپرای محاکمه توسط هیئت‌منصفه<sup>۳</sup> توجهم را جلب کرد. هرچند برای کلاس روز بعد باید جمهور افلاطون را می‌خواندم؛ اما اشتیاقم مرا به گروه کُر اپرا کشاند. این تمرین گروه کُر به انتخابی غیرافلاطونی بدل شد؛ چون در این گروه کُر، صدایی با لبخند زیبایی یافتیم. هروقت درس «کتاب‌های بزرگ جهان» را درس می‌دهم، به دانشجویانم می‌گویم برای اثبات اینکه خواندن افلاطون می‌تواند زندگی شما را عوض کند، شاهد عینی و دیداری دارم و بعد عکس هم‌سرم لوری، خودم و سه فرزندمان، سه‌دهه‌ونیم بعد از آن پاییز به یادماندنی را در جشن دانش‌آموختگی دخترمان به آن‌ها نشان می‌دهم. بدین‌سان ما آغاز سفر زندگی‌مان را مدیون خواندن افلاطون، یا دقیق‌تر بگویم مدیون خواندن *قبلی* [تأکید از دمراش است] افلاطون، هستیم؛ هیچ‌گاه نمی‌دانیم چگونه خواندن کتابی می‌تواند تجربهٔ اثرگذاری در زندگی ما باشد» (۱۱).

از آن زمان به بعد، وقت خود را به خواندن ادبیات کلاسیک و مدرن جهان اختصاص دادم. ادبیات جهان که مدت زمانی بر ادبیات اروپایی متمرکز بود، حال شامل آثار کلاسیک از حماسهٔ گیلگمش<sup>۴</sup> و افسانهٔ گنجی<sup>۵</sup> و *پوپل و و*<sup>۶</sup> می‌شود؛ متونی که در گذشته فقط در برنامه‌های تخصصی مطالعات منطقه‌ای به چشم می‌خوردند؛ ضمن اینکه جایزه‌های نوبل و بوکر به نویسندگان معاصرمانند مویان<sup>۷</sup> از چین، اورهان پاموک<sup>۸</sup> از ترکیه، الگا توکارچوک<sup>۹</sup> از لهستان و جوخه الحارثی<sup>۱۰</sup> از عمان داده می‌شود. در طول این سالان کوشیده‌ام تا با گسترش حیطهٔ ادبیات، توجه خوانندگان بیشتری را جلب کنم. «کدام داستان را روایت کنیم و چگونه آن را به نحوی دلنشین بیان کنیم؟» (۱۴).

«آثار ادبی محصول دو جهان کاملاً متفاوت هستند- جهان تجربهٔ نویسنده و جهان کتاب‌ها. این‌ها منابعی هستند که نویسنده از آن‌ها استفاده می‌کند و تغییرشان می‌دهد تا این تجربیات غالباً آشفته و تلخ را به صورتی ماندگار و دلپذیر عرضه کند. این طرح کنونی هم از این قاعده مستثنی نیست. این طرح از تجربیات سخنرانی‌هایم

<sup>1</sup> Dante, *The Divine Comedy*

<sup>2</sup> Nikolai Gogol, *The Dead Souls*

<sup>3</sup> Gilbert and Sullivan, *Trial by Jury*

<sup>4</sup> *The Epic of Gilgamesh*

<sup>5</sup> *Tale of Genji*

<sup>6</sup> *Popol Vuh*

<sup>7</sup> Mo Yan

<sup>8</sup> Orhan Pamuk

<sup>9</sup> Olga Tokarezuk

<sup>10</sup> Jokha al-Harhi

در بیش از پنجاه کشور دور دنیا و همچنین اکتشافات ادبی و ماجراهای ساختگی سرچشمه می‌گیرد. اولین فیلمی که در سه‌سالگی، در سال ۱۹۵۶ دیدم، فیلم دور دنیا در هشتاد روز ژول ورن بود. آثار فاخر غربی<sup>۱</sup> بلوم (۱۹۹۴) را هم در نظر داشتیم؛ البته چیزی بیشتر از بیست و شش نویسنده را در نظر داشتیم. عدد هشتاد ژول ورن به نظرم مناسب بود. تصمیم گرفتیم مانند فیلیاس فاگ سفرم را از لندن به طرف شرق آسیا شروع کنیم و بعد از طریق اقیانوس آرام به قاره آمریکا بروم و سپس به لندن برگردم (۱۱).

در ژانویه ۲۰۲۰ مشغول برنامه‌ریزی این سفر بودم که کووید-۱۹ از راه رسید. در فوریه توانستم به مسقط در عمان بروم؛ اما سفرهای دیگر لغو شد. بعد فکری به ذهنم رسید؛ این فیلیاس فاگ بود، نه خالقش، که دور دنیا را با کشتی بخار، قطار، بالون، فیل و کالسکه گشت. ژول ورن هیچ‌گاه در طول عمر طولانی‌اش از اروپا فراتر نرفت و در طول سال ۱۸۷۲ که مشغول نوشتن رمانش بود، از پاریس هم قدم بیرون نهد. نیازی هم نداشت؛ چون می‌توانست دنیا را در پایتخت جهانی‌اش ببیند. ایده سفر به دنیا، در یک کافه در پاریس به ذهنش خطور کرد؛ جایی که در روزنامه‌ای خواند می‌توان در هشتاد روز از طریق کشتی و قطار دور دنیا را گشت.

برای من نشستن در کافه در دوران کرونا ممکن نبود ولی الگوی ادبی دیگری به ذهنم رسید: شاهکار کوچک خاویار دو مایستر<sup>۲</sup>، سفر دور اتاقم. مایستر، جوان اشرافی فرانسوی، در ارتش پیدمونت<sup>۳</sup> خدمت می‌کرد. در سال ۱۷۹۰ به دلیل شرکت در یک دوئل تنبیه شد و قاضی او را به چهل و دو روز حبس خانگی محکوم کرد؛ قرنطینه‌ای واقعی. دو مایستر که خود را از عیش و نوش شبانه با دوستانش محروم یافت، تصمیم گرفت اتاقش را به جهانی مینیاتوری تبدیل کند. به تقلید از «تور بزرگ»، این اشراف‌زاده فرانسوی تور اروپا را در اتاقش آغاز کرد. با نوشته‌های کوتاه و سرزنده، از هر چیزی که در اتاقش بود، از کتاب و نقاشی و مبلمانی که در اطرافش بود، همه را به تصویر کشید. من هم می‌توانستم همین کار را انجام دهم؛ بنابراین خوانندگانم را دعوت کردم تا در تارنمای جهانی برای شانزده هفته، از ماه مه تا اوت ۲۰۲۰ با پنج کتاب در هفته با من همسفر شوند. از دوشنبه تا جمعه هر هفته، هر روز غرق یک کتاب می‌شدم.

سفر فیلیاس فاگ بر اساس جاده‌ای تجاری-تخیلات شرق‌شناسانه و امپراتوری بریتانیا شکل گرفته بود؛ اما امروز می‌توانیم این شبکه را وسیع‌تر در نظر بگیریم؛ در نتیجه به شرق اروپا، آفریقا، امریکای لاتین و دیگر مقاصد فاگ سفر کنیم. ژول ورن رمانش را به صورت پاورقی در روزنامه‌ای در پاریس چاپ می‌کرد و خوانندگانش با دقت سفر فیلیاس فاگ را روی نقشه دنبال می‌کردند و شرط

<sup>1</sup> Harold Bloom, *The Western Canon: The Books and School of the Ages*

<sup>2</sup> Xavier de Maiestre, *Voyage autour de ma chambre (Voyage Around My Room, tr. Stephen Sartarelli (New York: New Directions, 1994)*

<sup>3</sup> Piedmontese

می‌بستند که بعد به کجا می‌رود و آیا می‌تواند سفرش را در هشتاد روز تمام کند و به موقع به باشگاهش در لندن برگردد؛ جایی که همهٔ ثروتش را سرمایه‌گذاری کرده بود. فاگ موفقیت خود را مدیون نظم و ترتیب فوق‌العاده‌اش بود. او باید سفر دور دنیا را در هشتاد روز تمام می‌کرد؛ نه یک روز بیشتر یا حتی یک دقیقه بیشتر؛ مأموریتی که فاگ با موفقیت به پایان رساند. این کتاب نیز سفری با هشتاد کتاب در شانزده مکان است؛ ولی به‌جای بالون‌ها و فیل‌های فاگ، با پنگوئن‌ها<sup>(۳)</sup> و سایر نسخه‌های کتاب‌هایمان سفر می‌کنیم.

«دور دنیا با هشتاد کتاب به کشف آثاری می‌پردازد که به دوران بحران و خاطرات عمیق تروماتیک پاسخ داده‌اند؛ البته نه به این دلیل که همهٔ این آثار سرنوشتی محتوم و تیره داشته‌اند. هرچند زنان و مردان جوان دکامرون<sup>۱</sup> از چنگال طاعون در فلورانس گریخته و در مکانی خارج از شهر پناه گرفته‌اند، صدها حکایاتی که بازگو می‌کنند عمدتاً ماهیتی کمیک و طنزآلود دارند. ما هم در زمان سختی‌ها به ادبیات نیاز داریم. داستان و شعر فرصتی است برای لذت‌بردن محض و اندیشیدن ژرف دربارهٔ زندگی و تلاش‌هایی اجتماعی و سیاسی که از هرسو ما را فرا گرفته‌اند. با کمک نقشه‌های تخیلی زمان و مکان ادبیات، از میان امواج سهمگین این جهان پرتلاطم می‌گذریم» (۱۳).

نویسندگانی را که در این کتاب می‌بینیم هم از فرهنگ خودشان و هم از سنت‌های دیگر، مایه گرفته‌اند. ویرجینیا وولف هم با معاصرانش چون جوزف کنراد و آرنولد بنت در لندن در گفت‌وگو بود، هم با اخلاف انگلیسی‌اش دیکنز و جین آستین تا گذشتگان دیگر ریچاردسن و استرن. همچنین چخوف را به روسی، پروست را به فرانسوی و انگلیسی و سوفوکل را به یونانی و حکایت گنجی را با ترجمهٔ آرتور ویلی خوانده بود. بسیاری از نویسندگانی که در قلب سنت‌های ملی ما جای دارند، از منابع خارجی مایه گرفته‌اند. حتی وقتی اثری در بافتی کاملاً بومی نوشته شده است، اگر به فراسوی مرزهای اش سفر کند، وارد ارتباطات ادبی جدیدی می‌شود و ما اغلب شاهد آن هستیم که چگونه نویسندگان بعدی به طرق مختلف، آثار کلاسیک را بازبینی و بازخوانی کرده‌اند.

هرچند این پاندمی فرصتی برای طراحی این پروژه فراهم آورد؛ ولی پدیده‌هایی بس آزاردهنده‌تر و شاید بس ماندگارتر در بسیاری از نقاط جهان چون ملی‌گرایی نژادی و انزوگرایی و ترس از عبور انسان‌ها و افکار از مرزها شکل گرفت. بدتر از آن، تنگ‌کردن افق گفتمان سیاسی و چشم‌اندازهای فرهنگی و مذهبی بود؛ هرروز برای ما سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود تا به نظراتی که با آن موافق نیستیم گوش فرادهیم. در چنین روزگاری ادبیات به ما می‌آموزد که به قول چیماماندا آدیچی<sup>۲</sup> در برابر آنچه او «خطر تنها یک داستان» می‌نامد مقاومت کنیم. این بدان معنای ساده‌اندیشانه نیست که نویسندگان همواره هویت‌های خالص نژادی و ملی را

<sup>1</sup> Giovanni Boccaccio, *The Decameron* (1353)

<sup>2</sup> Chimamanda Adichie

منعکس می‌کنند؛ بلکه ما می‌توانیم از *انکسار* [تأکید از دمراش است] تجربه آن‌ها با چشم‌اندازهای جهانی بیاموزیم.

در سال‌های اخیر در مورد موانع شناخت و ارج‌نهادن به آثار خارجی بحث‌های درازدامنی شده است؛ از جمله روندهای گزینشی ورود نویسندگان به عرصه ادبی جهانی. نابرابری فرهنگی که قرن‌ها ریشه در تضادهای ملی و امپریالیستی دارد و امروز جهانی‌شدن بازار جهانی و سلطهٔ نئوامپریالیستی زبان انگلیسی جهانی، آن را قوت بخشیده است. آن تعداد از ما که می‌خواهیم از مرزها عبور کنیم، باید هوشیار باشیم که مقهور تصویرهای کلیشه‌ای فرهنگی نشویم؛ چه در تقابل منفی یا حمایت مثبت، و در مقابل مکانیسم‌های بازاری که می‌خواهند دسترسی ما را به آثار متنوع محدود کنند بایستیم. این کتاب چنین نیتی دارد. امیدوارم کتاب‌هایی را که در این مجموعه با رویکردهای متنوع گردآورده‌ام، فرصت آشنایی با گنجینه‌های گستردهٔ ادبی جهان را فراهم آورد.

تصویر کامل امروز ادبیات جهان، شامل آثار جالب معاصر و همچنین کلاسیک، شعر و نمایشنامه و داستان‌های پلیسی، دنیا‌های تخیلی، متون فلسفی و مذهبی و ادبیات کودک است. این هشتاد کتاب، روی هم رفته چشم‌اندازی از مشکلات دنیای امروز، شامل نابرابری‌های اقتصادی و جوامع مردسالار به ما می‌دهند.

هر ادبیاتی در زبان‌ش زندگی می‌کند و آن‌گاه که ما از فراسوی مرزهایمان می‌نگریم مسئلهٔ ترجمه نمایان می‌شود. چقدر خواندن اثری که زبان اصلی‌اش را نمی‌دانیم سودمند است؟ بدون تردید همهٔ ما باید بیش از یکی دو زبانی که با آن بزرگ شده‌ایم، یاد بگیریم؛ اما امروز اگر خود را به همین چند زبانی که می‌توانیم بخوانیم محدود کنیم، هرگز به جایی نخواهیم رسید. ما فقط بخشی از زبان‌هایی را که دوست داریم بدانیم، یاد می‌گیریم. ترجمه انگیزه‌ای قوی برای یادگیری زبان است. وقتی درس ادبیات جهان را تدریس می‌کنم، امید اتوپیایی من این است که دانشجویان احساس کنند که نمی‌توانند یک سال دیگر بدون یادگیری زبانی که هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کردند، زندگی کنند. خواندن دانه و کالوینو به ترجمه بود که الهام‌بخش مطالعهٔ ایتالیایی من شد. خواندن شعر آرتک- در ترجمه‌ای انگلیسی از ترجمه‌ای اسپانیایی- مشوق من در مطالعهٔ زبان نوواتچ<sup>۱</sup> (۴) بود.

در صفحات بعدی، در مواردی خاص با معضل ترجمه و ترجمه‌ناپذیری برخورد می‌کنیم؛ از *هزارویک‌شب* تا *غزل‌های فارسی*؛ یا شعرهای ملهم از آشوویتس پل سلان<sup>۲</sup>؛ اما همان‌طور که محدودیت‌های ترجمه را کشف می‌کنیم، باید متوجه باشیم که در دوران طلابی ترجمه زندگی می‌کنیم؛ با ترجمه‌های بیشتر و بهتر از گذشته. در واقع بسیاری از هشتاد نویسندهٔ ما، خود مترجمان قابل‌ی بوده‌اند؛ مترجم-نویسندگانی که در این مجموعه آمده‌اند: سلان کافکا را ترجمه کرد، خولیو کورتازار<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> Nahuatl

<sup>2</sup> Paul Celan

<sup>3</sup> Julio Cortázar

مارگریت یورسنار<sup>۱</sup> را ترجمه کرد، یورسنار جیمز بالدوین<sup>۲</sup> را ترجمه کرد. یکی از دلایل انتخاب این هشتاد کتاب این بود که ترجمه‌های بسیار خوبی از همه آن‌ها در دسترس بود و اگر بیش از یک ترجمه موجود بود، این فرصت را داشتیم که محاسن ترجمه خاصی را در نظر بگیریم.

«ترجمه موفق، بازآفرینی اثری برای زمانی جدید و مخاطبی جدید است و مترجمان ماهر راهکارهای خلاقانه‌ای برای بیان قدرت و زیبایی یک اثر با استفاده از ذخائر زبانی خودشان پیدا می‌کنند. ترجمه‌های تأثیرگذار می‌توانند موجب نوآوری در زبان میزبان شوند» (۱۶). این درست است که خواندن دانه به زبان انگلیسی، مانند خواندن آن به ایتالیایی نیست؛ اما این هم درست است که امروز خواندن کم‌دی الهی<sup>۳</sup> به ایتالیایی همان تجربه بوکاجو در دهه میانی قرن سیزدهم نیست. معدود خوانندگانی امروز با گفت‌وگوی دانه با شاعران یا نزاع‌هایش با سیاستمداران فلورانس آشنایی دارند، ما اکنون او را در شبکه ارتباطاتی متفاوتی می‌بینیم؛ از پریمو لوی<sup>۴</sup> که اشعار دانه را در آشویتس می‌خواند تا درک والکات<sup>۵</sup> که از ترستا ریم<sup>۶</sup> (۵)ی او، برای به تصویر کشیدن زندگی ماهیگیران کرئول زبان<sup>۷</sup> منطقه کارائیب اقتباس می‌کند.

مشابه سفر فیلیاس فاگ، این طرح هم بر اساس مسیری شخصی بنیان نهاده شده است و فقط بخشی از آن ممکن است با مسافر ادبی دیگری هم‌پوشانی داشته باشد. من به راحتی می‌توانستم یک سلسله کتاب‌ها و مکان‌های دیگری را انتخاب کنم؛ از ریک جاویک<sup>۸</sup> تا مسکو تا بانکوک و فرائر. مسیری که من انتخاب کرده‌ام یک [تأکید از دمراش است] ویراست از ادبیات جهان است و با ادبیات جهانی<sup>۹</sup> «تک- جهانی»<sup>۱۰</sup> هم‌شکل نیست. هر فصل بر شهر یا منطقه‌ای متمرکز است که حجم قابل توجهی آثار تولید کرده است و مضمون خاصی را پی می‌گیرد: چگونه نویسندگان، شهرها را خلق می‌کنند و چگونه شهرها نویسندگان را؛ میراث جنگ در اروپا و امپراتوری در جاهای دیگر؛ مسائل مهاجرت و دیاسپورا و میراث سرزنده سنت‌های شاعرانه و روایی، از حماسه‌های هومری تا هایکوی ژاپنی تا قصه‌های تودرتوی هزار و یک‌شب.

در هر فصلی با زمینه‌ها و مضمون‌های مشترک، ما به دنبال کشف تنوع خلاقانه‌ای هستیم که نویسندگان ما به یاری آن سرزمین و میراث خودشان، اغلب

<sup>1</sup> Marguerite Yourcenar

<sup>2</sup> James Baldwin

<sup>3</sup> *La Divina Commedia*

<sup>4</sup> Primo Levi

<sup>5</sup> Derek Walcott

<sup>6</sup> *terza rima*

<sup>7</sup> Creole-speaking

<sup>8</sup> Reykjavik

<sup>9</sup> globalized literature

<sup>10</sup> "one-world"

به روش‌های کاملاً متفاوت، درون یک فرهنگ را نشان می‌دهند. ما خوانندگان هم به سهم خود، از آثار آن‌ها برای اهداف خود استفاده می‌کنیم و من هر از گاهی با سودجستن از تجربه‌ام نشان می‌دهم که چگونه ادبیات می‌تواند بر شناخت ما از خودمان و جهان، به‌خصوص در زمان‌های مختلف، اثر بگذارد. این هشتاد کتاب به مثابه فهرست ثابت «کتاب‌ها و مکتب‌های دوران»، یادآور زیرعنوان کتاب بلوم، *آثار فاخر غرب*، نیستند. آنچه من انتخاب کرده‌ام به معنی خاص آثاری *جهانی*<sup>۱</sup> [تأکید از دمراش است] هستند که در آن نویسندگان به دنیای پیرامونشان و دنیای فراسوی مرزهایشان می‌اندیشند؛ حال در هیئت شخصیت‌هایشان که مبادرت به سفر به دنیای برون کرده‌اند یا دنیای برون که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. امیدوارم از لابه‌لای رویارویی‌های غیرمنتظره و پیچ‌وتاب‌های حیرت‌انگیز، چرخش‌ها و درکنارهم قرارگرفتن‌ها بتوانید راه‌های تازه‌ای برای نگرستن بر آثاری که از قدیم با آن‌ها آشنا بوده‌اید بیابید و به کشفیات مهیج جدیدی برسید.

اکنون به همین کفایت می‌کنم. هشتاد کتاب در انتظار شماست. همان‌طور که آپولیوس اهل مادورا<sup>۲</sup> تقریباً دوهزار سال پیش در آغاز شاهکارش، *الاغ طلایی*<sup>۳</sup> گفت: «ای خواننده، هشیار باش و لذت را درخواهی یافت»<sup>۴</sup>.

علی‌رضا انوشیروانی؛

استاد ادبیات تطبیقی، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران  
anushir@shirazu.ac.ir

#### پی‌نوشت‌ها

<sup>(۱)</sup> «آغاز سفر» عنوان مقدمه کتاب دمراش و در عین حال عنوان اولین رمان ویرجینیا وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱)، رمان‌نویس انگلیسی است. *آغاز سفر* (۱۹۱۵) داستان ریچل وین‌ریس (Rachel Vinerace) است که با کشتی پدرش عازم امریکای جنوبی می‌شود و در این سفر به کشف درون و شناخت خود می‌رسد. کلاریسا دالوی (Clarissa Dalloway) یکی از شخصیت‌های اصلی این رمان است که موضوع و عنوان رمان بعدی ویرجینیا وولف یعنی *خانم دالوی* (Mrs. Dalloway, 1925) است. جالب آنکه فصل اول کتاب دمراداش با ویرجینیا وولف و رمان *خانم دالوی* شروع می‌شود. در رمان ژول ورن *دور دنیا در هشتاد روز*، فیلیاس فاگ پس از اتمام سفرش به خانه‌اش در سَویل رُو (Savile Row) شماره ۷ لندن برمی‌گردد. جاده‌ای که فاگ برای رفتن به خانه انتخاب می‌کند دقیقاً همان جاده‌ای است. آن‌چنان‌که دمراش در کتابش می‌گوید. که خانم دالوی نیم‌قرن بعد در رمان *خانم دالوی* در راه رفتن به

<sup>1</sup> worldly

<sup>2</sup> Apuleius of Madaura

<sup>3</sup> Apuleius, *Metamorphoses*, ed. and tr. J. Arthur Hanson (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2 vols., 1989, 1996). *The Golden Ass*, ed. and tr. T. G. Walsh (Oxford: Oxford University Press, 1994), 3.

<sup>4</sup> *Lector, intende: laetabris*



منزلش می‌پیماید و دسته‌گلی هم برای مهمانی‌اش می‌خرد (دمراش ۱۸).

(۲) پُپِل وُ متن مقدس ساکنان کیچه (Kiche) از منطقه مایان (Mayan) است که هم‌اکنون بخشی از سرزمین مکزیک و گواتمالاست. اصل این روایت مذهبی که با اسطوره خلقت آغاز می‌شود، به دوران قبل از سلطه اسپانیایی‌ها در مکزیک برمی‌گردد. پُپِل وُ بخشی از سنت شفاهی مایان است که به معنی «کتاب مردم» است. این متن بعدها در قرن شانزدهم به صورت مکتوب درآمد و سپس در قرن هجدهم به اسپانیایی ترجمه شد.

(۳) مراد دمراش از پنگوئن‌ها (penguins) انتشارات پنگوئن (Penguin Press) است که مجموعه انتشارات خود را در حوزه ادبیات جهان، در اختیار این طرح پژوهشی او قرار داده است. طبق مقررات حفظ حقوق مؤلف، یکی از شرایط چاپ کتاب‌هایی از این دست، اخذ مجوز از ناشری است که این کتاب‌ها را ابتدا چاپ کرده است. این‌گونه ناشران معمولاً مبلغ هنگفتی برای اعطای چنین مجوزی طلب می‌نمایند که گاه قیمت کتاب را بسیار افزایش می‌دهد و در نتیجه فروش کتاب با مشکل روبه‌رو می‌شود. از آنجا که اکثر کتاب‌های مورد نیاز دمراش را انتشارات پنگوئن قبلاً چاپ کرده است، کار بر دمراش آسان‌تر شده است. فاگ از بالون‌های هوای گرم برای پرواز استفاده کرد و دمراش از پنگوئن‌ها؛ یعنی نسخه‌های چاپ‌شده انتشارات پنگوئن.

(۴) «نواچ» زبان رسمی آنک‌ها تا قبل از سلطه اسپانیایی‌ها در مکزیک بود. هنوز هم در مکزیک مرکزی بیش از یک میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند.

(۵) «ترستا ریما» نوعی شعر قافیه‌دار است که از بخش‌هایی با عنوان ترست (tercet) تشکیل شده است. هر ترست، سه بیت دارد که قافیه بیت دوم آن هم‌قافیه با بیت اول و سوم ترست بعدی است (aba bcb cdc). داتنه این نوع شعر را در سرودن کمدی الهی بنیان گذاشت.

**David Damrosch, *Around the World in 80 Books*. New York: Penguin Press, 2021. 414 pp. Ebook ISBN: 9780593299890**

**Alireza Anushiravani<sup>1</sup>**

**Abstract**

*Around the World in 80 Books* is the latest book of David Damrosch, Professor of Comparative Literature at Harvard University. He is a leading theorist in this field and has already written several books to explain his theory of World Literature both in theoretical and practical aspects including *What Is World Literature?* (2003), *How to Read World Literature?* (2009), *Teaching World Literature* (2009), *World Literature in Theory* (2014) and *Comparing Literatures: Literary Studies in a Global Age*. Generally speaking, in all these works, Damrosch is focusing on two important notions: first, World Literature is a new trend in Comparative Literature studies which crosses national, linguistic and cultural borders and includes, in fact, the whole literature of the world; second, to get rid of the chronic Eurocentrism of Comparative Literature, we must take advantage of translation. *Around the World in 80 Books* is written with such an intention in mind.

The book is organized in sixteen chapters. Damrosch's itinerary starts from London, where Phileas Fogg started his journey in Jules Verne's *Around the World in Eighty Days* (1872) and takes his reader to all around Europe, Turkey, Oman, Egypt and African countries, Near and Middle Eastern countries (including Iran, of course), India, and Far Eastern countries as China and Japan, and then to Central America and Latin America and comes back to London at the end of his journey. The Introduction of the book: "The Voyage Out" is a charming narrative of Damrosch's youth life when he decides to attend a chorus where he meets "an alto with a lovely smile" (10). *Around the World in 80 Books* is a project coming to fruit in times of Covid-19, a gloomy era in modern man's experience and an opportunity to travel the world around one's room. Damrosch's trip takes sixteen weeks from May through August 2020. The book "explores works that have responded to times of crisis and deep memories of trauma" (13). More importantly, Damrosch contends: "All of us who want to venture beyond the boundaries of our own country need to be vigilant in not succumbing to reductive cultural stereotypes, whether reflexively negative or patronizingly positive, and we need to push back against market mechanisms that limit the variety of works

---

<sup>1</sup>Professor of Comparative Literature, Department of Foreign Languages, Shiraz University, Shiraz, Iran  
Anushir@shirazu.ac.ir

available to us” (14). One cannot agree with Damrosch more when he says that “influential translations can spur innovation in the host language itself” (16). “...literature can inform our sense of ourselves and our world, particularly in difficult times” (17). *Around the World in 80 Books* is a must-read book for those interested in World Literature. “Lector, intende: laetaberis” (17).

**Keywords:** World Literature, *Around the World in 80 Books*, David Damrosch, translation, voyage

